



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۲/۱۰ م

محمد خبیر و هابزاده

صلح با تدبیر و پایدار در افغانستان را به گروگان گرفتن جفا و عمل نابخشودنی است

بلاخره بعد از تقریباً چهل سال جنگ ، دربه دری و خاک به سری مدتی است که از روش و گفتار افغانان و جهانیان به نظر می آید که معضله دلخراش افغانستان منجر به صلح و قطع جنگ خواهد شد. فعالیت‌های روزافزون سیاسی بین دیپلمات‌ها چه به سطح ملی و هم به سطح بین المللی برای آوردن صلح و امنیت نمایندگان جدید جهانیان نیدخل جنگ و صلح بین تحریک طالبان افغان و اطلاق متحده امریکا نه تنها علنی بلکه تا جایکه دیده میشود در فضای قبولی جانبین در جریان است.

اینکه امریکا بعد از تقریباً پانزده سال جنگ مستقیم با طالبان به فیصله رسیده که مردم افغانستان حق به صلح و امنیت در ملک خود را دارند در آخر امریک فکر و عمل مثبت است، اما اینکه چرا امریکا که تا چندی قبل همین تحریک طالبان افغان را نه تنها بنام ترورست می نامیدند بلکه به انواع و اقسام اسلحه پیشرفته مخرب و تپاها کننده یکجا با متحدین خود که چهل و شش مملکت را در بر میگردد در جنگ بود و هنوز هم دست بردار نشده، با طالبان راهی صلح را به پیش گرفته و بلاخره به این فیصله رسیده که باید صلح نمود و در این جنگ پیروز نمیشود این قناعت نظامی و سیاسی امریکا معلومدار است که برای همه افغانهای که ذاتاً صلح خواه اما در صورت تجاوز به حریم شان از سر سخت ترین مدافعین سر زمین خود هستند افتخاری است که در ادوار تاریخ نسل به نسل از جبر روزگار به پیش برده شده و حاضر به آن نیستند که اسارت را قبول کنند. افغانها مردم صلح خواه و قانع به کم خود هستند و در این زیاتر از صد سال اخیر به حریم کسی تجاوز نکرده اند، اما بدبختانه که بارها تحت تجاوز قرار گرفته اند.

در حالیکه مذاکرات صلح برای افغانستان در پایتخت های کشورهای مختلف جهان در جریان است. معضله بزرگ سیاسی را که امریکا خود به وجود آورده هنوز نا جواب و نا حل به نظر می رسد که متمرکز میشود به نقاط ذیل

اول: امریکا عملاً مذاکرات جنگ و صلح را با تحریک طالبان آغاز نموده.

دوم: امریکا در عین زمان که خود داخل مذاکره با طالبان است ادعا دارد که مذاکرات جنگ و صلح با طالبان باید تحت قیادت حکومت افغانستان به پیش برده میشود.

سوم: طالبان مذاکرات جنگ و صلح را با حکومت کابل رد میکنند.

طالبان دلیل عدم مذاکرات خود با حکومت کابل را به دلیل اینکه حکومت کابل یک حکومت دست نشانده است و بدون کمک مستقیم نظامی امریکا از دوام حکمرانی کابل نسبت فشار نظامی طالبان در وقت کم از بین میرود و همچنان مردم افغانستان دیگر حاضر از پشتیبانی از این حکومت دست نشانده نیستند.

طالبان به همین دلیل داخل مذاکره به امریکا شده تا به بدین ترتیب افغانستان را از اشغال امریکا و متحدینش نجات دهد. اصرار امریکا که در ظاهر اظهار می ورزد ، نه منحصراً اشغالگر بلکه منحصراً

مسلح برای مردم افغانستان به گفته ایشان که از جنگ خسته و مانده شده اند ، برای افغانها حق میدهد که بعد از چهل سال جنگ در صلح و صفا زندگی کنند. برای ختم جنگ فعلاً بین طالبان و حکومت کابل داخل مذاکرات است که این روش سیاسی با فلسفه ضعیف مشکل بزرگی را در روند مذاکرات صلح برای افغانستان به میان آورده که از یک طرف حکومت کابل را امیدوار به امتیاز و استقلالیت جعلی می سازد و از طرف دیگر به سمع طالبان می رساند که جانب مقابل شما ما نه بلکه حکومت کابل است . اینکه چرا امریکا در چاه سیاه سیاسی خود را قرار داده، علت آن این است که نمی تواند خود را اشغالگر و حکومت کابل را، حکومت دست نشانده خود بر ملا کند چون در آن صورت خلاف فیصله سال ۲۰۰۱ م ملل متحد عمل میشود و با متحدین خود که در جنگ افغانستان دخیل هستند هم به مشکل مواجه میشود. همین است که صلح و جنگ را امریکا اگر بخواهد یا نه در قید روش مبهم قرار داده .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

واقعیت این است که امریکا و متحدینش دیدن که جنگ به افغانها نقطه ختم ندارد و سال به سال مشکوکیت مردم از خارجها در افغانستان رو په افزایش و این جنگ خانما نسوز نه بُرد دارد و نه باخت. و در عین زمان برای امریکا نسبت مشکلات جهانی اش بهتر است که با همه افغانها دست دوستی بدهد تا وقت و امکانات بیشتر برای حل معضله های جهانی دیگر که ایجاد شده است، دست باز تر داشته باشند.

اما ما افغانها باید بدانیم که در آخر امر اگر صلح در افغانستان به میان بیاید، بر پا شود یا نه! در آخر امر برای یک قدرت نظامی جهانی مانند امریکا امکاناتی دیگری در دست است که فعلاً به ما حدس آن ممکن نیست. این ما افغانها هستیم که در آتش این جنگ به انواع و اقسام مختلف می سوزیم، ما افغانها باید بالای خود و وطندار خود رحم کنیم و به آوردن صلح در افغانستان از هر نوع جدیت و سرعت کار بگیریم.

در صورتیکه امریکا در آخر امر کاری خودش را خودش جور کرده می تواند و حکومت کابل در اصل کدام عملی یا فعالیت سیاسی مستقلی را که برای ایجاد صلح در ملک ضرور است بدون مشوره امریکا و متحدینش در افغانستان براه انداخته نمی تواند، نمایان است که فعلاً حکومت کابل به جای اینکه تصمیم کاری را برای به میان آمدن صلح را بگیرد در سنگ اندازی در راه صلح نه تنها متحدین خارجی خود یعنی امریکا، بلکه هم ضد آرزو و ارمان ملت افغان، انعقاد نشدنی های مشورتی به افغانهای است که صلح را صد فیصد به ضرر خود می دانند برگزار نموده و در ضیاع وقت یک چانس که ممکن به این منوال باز میسر نشود، مصروف است.

چون معمولاً بعد از هر جنگ و دیگرگونی، عموماً حکومت قانون به میان می آید، آن افغانهای که از برقراری و تطبیق قانون حراس دارند مشورهای به حکومت می دهند که اصلاً صلح را برای مدت نامعلوم که هدف و خصلت قاتلین، فاسدین و دزدان بیت المال است، غیر ممکن می سازد.

حکومت بی چاره کابل که تا به گوش خود هم غرق فساد به انواع مختلف است به جامع بین الملل نشان میدهد که سخت مصروف پیدا کردن یک صلح عدلانه در ملک است در حالیکه سوال پیدا میشود که پس تدبیر این حکومت متکفران چه است؛ آیا حکومت خودش به تنهایی کدام پیغام صلح به مردم و جهانیان دارد یا نه؟ که بدبختانه تا همین لحظه فاقد جواب بوده می تواند.

در این جا به نظر میرسد که امریکا برای کنترل سیاسی، نظامی و اقتصادی منطقه و بدست آوردن باقی منابع سر و زیر زمینی افغانستان برای صلح کار میکند، و حکومت فعلی افغانستان برای بقای و تمودید قدرت پنج سال دیگر به هر نوع جفا به مردم افغانستان متوسل می شود که بدبختانه اصل حکومت بل المثل هم همین است. اینکه چه امریکا و حکومت کابل جمعاً در صلح واقعی در افغانستان یکجا با هم مرتکب عمل مثبت نسبت به صلح میشوند یا نه مربوط به آینده قریب الوقع است.

با در نظر داشت نقاط فوق این مربوط میشود به ایالات متحده امریکا و متحدینش، و خصوصاً به تحریک طالبان افغان «که کنترل زیادتر از پنجاه فیصد خاک افغانستان را در دست دارند و مکرراً از داعیه دینی و ملی افغانستان به دفاع برخاسته اند و هم پشتیبانی عده مردم عام را هم با خود دارند و هم قدرت جهانی مانند امریکا را مجبور به مذاکره به خود نموده اند که حال در امتحان ملت قرار دارند که در فیصله صلح و جنگ در این افغانستان در به در و خاک به سر اما تاریخ ساز، که در این اواخر بدست شان آمده است با تمام مشکلات و پلانهای شوم و مثبت جانبان مقابل با پختگی سیاسی و به ایجاد یک فورمولی کاری و مقنع به خاطری پایان دادن زجر مردم افغانستان صلح را به مردم افغانستان به ارمغان بیاورند.»

تا به آوردن صلح با تدبیر و پایدار که آرزو و ارمان قاطع مردم زجر دیده و مظلوم است ثبوت کنند که افغانها هم با وجود بازیهای سیاسی مهلک غیر توان آن را دارند که راه معقول؛ و موازی به ارشادات و نایل شدن به حاکمیت ملی که اصل موضوع است در بر خواهد داشت نایل شده می توانند، به موفقیت نهایی که هدف صلح است، توانایی خود را به ثبوت رسانند.

چون دیگر مردم افغانستان نسبت غم های پی در پی از صدای تفنگ بی «موجب» نفرت پیدا کرده اند و گراف محبوبیت هم منوط به آن شده که کی چه وقت ارمغان صلح و صفا را به مردم افغانستان به ارمغان می آورد.

و من الله التوفیق